

حیطه حجیت افعال معصوم (علیه السلام) از نظر شیعه

سید وحید میر علی اکبری^۱

چکیده

یکی از مهمترین منابع اجتهاد، سنت بوده که شامل فعل معصوم است، اما ضروری است هر مجتهدی ابتدا مشخص کند که در فرایند اجتهاد، تمام افعال معصوم حجیت دارد یا تنها بعضی از این افعال چنین هستند. نسبت به این مساله، در بین علمای شیعه اختلاف است؛ هرکدام ادله‌ای را برای اثبات نظر خویش برشمرده‌اند. تحقیقاتی که در عصر حاضر پدید آمده نیز هریک با روش و دید خاصی به مسئله نگاه کرده‌اند. مقاله حاضر با تمرکز بر نظرات و مبانی علمای شیعه و روش توصیفی - تحلیلی و با ارائه دلایل مطرح شده به نحوی جدید و با احتراز از بیان ادله ضعیف و تطویل غیرضروری، کاشف از این است که تمام افعال معصومین به جز افعالی که اختصاص آنها به ایشان براساس دلایل قطعی دانسته شده است، برای امت حجت هستند.

واژگان کلیدی: حجیت، سنت، فعل معصوم، فعل طبیعی معصوم، فعل دنیوی معصوم.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

۱. طلبه پایه ششم مدرسه شهیدین علیه السلام قم.



۱. مقدمه

گسترده‌ترین منبع اجتهاد شیعه، سنت معصوم است که قول، فعل و تقریر ایشان را شامل می‌شود، اما در مورد فعل معصوم این سؤال مطرح است که آیا همه افعال معصوم برای ما حجت است؟ یعنی آیا هر فعلی که از معصوم صادر شده باشد برای ما حجت دارد تا منبع اجتهاد قرار گرفته و بتوان بر اساس آن حکم شرعی صادر کرد یا خیر؟ اگر پاسخ ما مثبت باشد، موارد بسیار زیادی به منابع اجتهاد اضافه می‌شوند که می‌توانند مورد استفاده فقیه قرارگیرند و برعکس اگر منفی بود، موارد مذکور خارج شده و نمی‌توان براساس آنها حکم شرعی صادر کرد. با توجه به این‌که اگر چیزی حجت داشته باشد باید در اجتهاد از آن بهره برد و اگر حجت نداشته باشد به هیچ وجه نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد، ضروری است فقیه پیش از اجتهاد در مسائل فقهی، به این سؤال پاسخ دهد.

طبعاً بعضی از افعال معصومین به خاطر وجود ادله قطعی اختصاص به ایشان دارند که از بحث خارج‌اند و تنها در مورد سایر افعال ایشان سؤال مذکور را مطرح می‌کنیم. در پاسخ به این سؤال در بین فقهاء اختلاف است. همچنین مقالاتی پیرامون این موضوع نوشته شده است که هریک با روش و دید خاصی این مطلب را بررسی کرده‌اند. مقاله حاضر در نظر دارد با روش توضیحی - تحلیلی و جمع دلایل قائلین به تبعیض افعال معصوم از نظر حجت، در یک دلیل جامع و بیان دلیل قائلین به حجت تمام افعال معصوم، با اکتفای به بیان دلیلی محکم و اجتناب از تطویل غیرضروری حاصل از شمردن ادله متعدد و خیلی اوقات ضعیف، به بیان، شرح و نقد دلیل هر دو قول و نتیجه‌گیری در بحث مذکور بپردازد.^۱

۲. اقوال موجود در بحث

به طور کلی می‌توان گفت در بحث ما دو قول وجود دارد:

۱. ممکن است این سوال برای خواننده محترم مطرح شود که چرا در بررسی ادله قول به تبعیض همه ادله آنها بررسی و (به صورت یک دلیل جامع) ارائه می‌شود، ولی در این بررسی در ادله مقابل تنها به بیان یک قول اکتفا می‌شود؟ پاسخ آن است که زیرا همه ادله قول اول رد خواهد شد، ولی دلیلی که برای قول دوم مطرح می‌شود دلیلی وجیه است و خدشه‌ای بر آن نیست و همین یک دلیل برای اثبات مدعی خود کفایت می‌کند.



۱. شرعی بودن بعضی از افعال معصوم

۲. شرعی بودن همه افعال معصوم

۳. اتخاذ مبنا در سه مسئله مؤثر بر بحث

پیش از بیان ادله دو قول، ابتدا باید در سه مسئله مؤثر بر داوری و نتیجه‌گیری در بحث، اتخاذ مبنا کنیم.

۳-۱. عصمت نبی اکرم ﷺ و ائمه اطهار 

تمام مذاهب اسلامی در این اصل که نبی اکرم ﷺ در تلقی و ابلاغ وحی از معصیت و خطا عصمت داشته‌اند، اجماع دارند و بر این مسئله دلیل عقلی هم ارائه شده است (آیه الله اعرافی، ۱۴۰۱؛ آیه الله طباطبایی، ۱۴۰۰). اما در مورد عصمت نبی اکرم ﷺ پیش از بعثت و پس از آن در غیر تلقی وحی و ابلاغ آن اختلاف است. همچنین جدای از این اختلاف در صورت پذیرش عصمت ایشان، در قلمرو آن، که آیا تنها شامل عصمت از معصیت به صورت عالمانه و عامدانه است، یا عصمت مطلق (حتی غیرعامدانه) را نیز شامل می‌گردد و یا اینکه نه تنها شامل عصمت از معصیت است، بلکه شامل عصمت از سهو و خطا نیز هست، در بین مذاهب مختلف اسلامی اختلاف است^۱.

علاوه بر این، در این که آیا سایر انبیاء  نیز معصوم بوده‌اند یا خیر و در صورت پذیرش عصمت ایشان در مورد این که دایره عصمتشان چقدر است، به همان تفصیلی که در مورد دایره عصمت نبی اکرم ﷺ اختلاف وجود دارد، نیز شاهد تفاوت اقوال هستیم. همچنین تمام آنچه در مورد سایر انبیاء  بیان شد، در مورد حضرت فاطمه زهراء  و دوازده امام شیعه  نیز مطرح شده است. (همان)

طبق نظر شیعه نبی اکرم ﷺ و سایر انبیاء ، همچنین حضرت فاطمه زهراء  و ائمه اطهار  همگی در تمامی مدت عمر خود از معصیت و سهو و خطا معصوم می‌باشند. (همان؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۲۹؛ علامه کراچکی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۱۵)

۱. سید مرتضی، ج ۱، ص ۲؛ علامه حلی، ۱۹۸۲ م، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ۱۹۸۸ م، ج ۱، ص ۳۲۶؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۶؛ البحرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۲۵.



از آنجایی که در این مقاله تنها نظر علمای شیعه برای ما اهمیت دارد، لذا اقوال دیگر را کنار گذاشته و ادامه بحث را بر مبنای عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام از معصیت و سهو و خطا پی می‌ریزیم.

۲-۳. عدم جواز اجتهاد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

قبل از بیان ادله باید متذکر شد که نظر ما در مسئله «جواز اجتهاد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» در بحث جاری کاملاً مؤثر است؛ به این صورت که قائل به جواز نمی‌تواند قائل به شرعیت و حجیت تمامی افعال نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد؛ زیرا طبق نظر او بعضی از افعال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم براساس نظر و اجتهاد شخصی ایشان بعنوان یک بشر بوده است و ممکن است اشتباه باشد.

فقه‌های شیعه در بحث جواز اجتهاد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر عدم جواز اجماع دارند و از آنجایی که در این مقاله تنها قول فقه‌های شیعه را در نظر داریم، در ادامه بحث را بر طبق مبنای عدم جواز پی می‌گیریم و چون قائل شدن به عدم جواز اجتهاد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با قائل شدن به شرعیت و حجیت تمام افعال ایشان منافاتی ندارد، لذا ادله هر دو قول را بیان می‌کنیم.

۳-۳. خروج افعال اختصاصی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

در مورد بعضی از افعال نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلیل وجود دارد که این افعال به ایشان اختصاص دارد؛ مثل وجوب تهجد، جواز وصال در روزه، جواز ازدواج با بیش از چهار همسر. در بین شیعه و اهل تسنن اختلافی وجود ندارد که این افعال برای ما حجت نیست (ملای نراقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۷). لذا این دسته از افعال از بحث ما خارج هستند و در این مقاله صرفاً در مورد افعالی از معصومین علیهم‌السلام بحث می‌شود که دلیل و قرینه‌ای قطعی بر عدم حجیت آن افعال نداریم.

۴. بیان ادله

در این قسمت ادله هر دو قول بررسی خواهد شد.

۴-۱. دلیل قول اول

در آیات متعددی از قرآن کریم به جنبه بشری انبیاء و نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اینکه ایشان نیز بشری مانند سایر انسان‌ها هستند تصریح شده است؛ بعنوان نمونه به بعضی از این آیات اشاره می‌شود:



﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...﴾^۱، (کهف، ۱۱۰؛ فصلت، ۶) ﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ خُنْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...﴾^۲، (ابراهیم، ۱۱) ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ...﴾^۳، (فرقان، ۲۰) ﴿بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ...﴾^۴، (قاف، ۲) ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...﴾^۵، (جمعه، ۲) ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...﴾^۶ (آل عمران، ۱۶۴)

همان‌طور که بیان شد این آیات بر بشر بودن نبی اکرم و سایر انبیاء علیهم‌السلام تصریح دارند، لذا بر این دلالت دارند که ایشان نیز مانند سایر انسان‌ها دارای احوال و شؤونی هستند و بعضی از افعال انبیاء ناشی از همین بعد بشری ایشان است، نه بعد نبوت‌شان، در نتیجه حتی اگر قائل به عصمت ایشان نیز باشیم، باز هم این افعال نمی‌توانند حجت شرعی باشند؛ چراکه انبیاء علیهم‌السلام از آن جهت که یک انسان بودند این افعال را انجام داده‌اند، نه از آن جهت که نبی بودند، لذا نمی‌توانند برای ما شریعت و حجیت داشته باشند. نتیجه اینکه تنها بعضی از افعال انبیاء علیهم‌السلام حجت هستند، نه همه افعال ایشان.

آنچه بیان شد خلاصه‌ای از استدلال بسیاری از علمای اهل تسنن و بعضی از علمای شیعه بود که با تکیه بر آیات شریفه مذکور برای نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شؤون مختلفی قائل شدند و افعال ایشان را به انواع مختلفی تقسیم کرده و افعال مربوط به بعضی از این انواع را فاقد حجیت دانسته‌اند که ناچار به توضیح این استدلالات هستیم؛

اولاً، باید متذکر شد با اینکه هم علمای اهل تسنن و هم علمای شیعه‌ای که چنین استدلال

۱. بگو: جز این نیست که من هم بشری مانند شما هستم، با این تفاوت که به من وحی می‌شود که... (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۴)

۲. پیامبرانشان در پاسخ آنان گفتند: آری، ما جز بشری مانند شما نیستیم... (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷)

۳. (پیامبر شدن بشر پدیده‌ای نوظهور نیست) ما پیش از تو هم - ای پیامبر - هیچ رسولی از رسولان خود را نفرستادیم مگر اینکه آنان نیز غذا می‌خوردند و برای کسب معاش در بازارها راه می‌رفتند... (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۱)

۴. (آنان نه تنها به تو ایمان نیاوردند) بلکه از اینکه هشداردهنده‌ای از تبار خودشان به‌سویشان آمده است در شگفت شدند.... (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۵۱۸)

۵. اوست که در میان مردم عرب که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، پیامبری از خودشان برانگیخت... (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۵۵۳)

۶. به یقین خدا به مؤمنان نعمتی بزرگ ارزانی داشت که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را از کارهای زشت و اخلاق ناپسند پاک سازد و کتاب آسمانی و معارف آن را به ایشان بیاموزد، و قطعاً آنان پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکاری فرو رفته بودند. (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۷۱)



فرموده‌اند افعال نبی اکرم ﷺ را به انواع مشخصی تقسیم کرده‌اند، اما نوع استدلال علمای اهل تسنن با شیعه متفاوت است؛ اهل تسنن غالباً با تکیه بر این آیات، جواز اجتهاد نبی اکرم ﷺ را اثبات کرده‌اند و با پشتوانه قول به عدم عصمت نبی اکرم ﷺ از خطا و سهو (و یا حتی با دایره وسیع‌تر) قائل به عدم حجیت بعضی از افعال ایشان شده‌اند،^۱ اما همان‌طور که قبلاً بیان شد قول صحیح در بحث اول عدم جواز و در بحث دوم عصمت نبی اکرم ﷺ در تمامی افعال ایشان (معصیت، خطا و سهو) از ابتدا تا پایان عمر شریفشان می‌باشد، لذا در این استدلال نمی‌توان از این دو جهت استعانت جست. به همین خاطر تفصیل استدلال بر «تبعیض افعال نبی اکرم ﷺ از جهت حجیت» بر اساس آیات شریفه مذکور را، بدون پشتیبانی از دو قول غیر صائب در دو بحث مذکور ارائه می‌دهیم.

ثانیا، آیات مذکور هیچ‌یک دال بر الغای نبوت نبی اکرم ﷺ در بعضی از احوال و ازمنه نیستند؛ یعنی ایشان در عین بشربودن رسول نیز بوده‌اند. به این شرح که آیات مذکور را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد؛

در دسته‌ی اول از این آیات (مثل آیه ۱۱۰ سوره کهف و آیه ۶ سوره فصلت)، تاکید بر بشربودن به جهت نفی وجود خدایی و داشتن قدرت غیبی است؛ چراکه کفار می‌پنداشتند که نبوت و وحی با داشتن وجود خدایی و قدرت غیبی ملازم است، و لذا بیان چیزهایی که جز خدای متعال کسی از آنها با خبر نیست یا انجام کارهایی که تنها او بر آنها قادر است را از نبی اکرم ﷺ درخواست داشتند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۴۰۵)

تاکید بر جنبه بشری نبی اکرم ﷺ در دسته دوم (مثل آیه ۹۰ سوره اسراء) به منظور نفی ملازمت نبوت با تفویض قدرت غیبی مطلق از ناحیه خدای متعال است؛ چراکه قریش چنین می‌پنداشتند و به همین خاطر انجام بعضی کارها مثل آفرینش موجودات را حتی بدون اینکه از ایشان طلب کنند که انجام این امور را از خدای متعال مسئلت کنند، مستقیماً از خود ایشان انتظار داشتند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۳)

۱. تعداد زیادی از علمای اهل تسنن قائل به این اقوال شده‌اند که به جای ذکر تک تک منابع به ارجاع به کتاب مرحوم آیه الله حکیم رحمه الله اکتفا می‌کنیم. ایشان در کتاب الاصول العامة للفقهاء المقارن، ج ۱، ص ۲۶۴ بیش از ۲۰ منبع از منابع اهل تسنن را با آدرس دقیق ذکر فرموده‌اند.



این مطلب در دسته سوم از این آیات (مثل آیه ۲۰ سوره فرقان) به جهت بیان شباهت ایشان با سایر انبیاء گذشته علیهم السلام است؛ چرا که مخالفان در مقام اشکال تراشی می گرفتند: چه طور یک انسان می تواند از ناحیه آفریننده و رب این جهان رسول باشد؟ لذا این آیه بیان می دارد که رسالت یک انسان امری بدیع و بی سابقه نیست و تاکنون بارها محقق شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۹۳)

در دسته آخر تاکید بر این مسئله به منظور امتنان است؛ حال امتنان بر مؤمنین، (مثل آیه ۱۶۴ صوره آل عمران) یا بر غیر آنان که رسول ایشان هم جنس (و نه فرشته) و هم ملیت آنها قرار داده شده، هر چند که فرستاده ای برای همه جهانیان می باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۲۶۴)

با بررسی این آیات واضح است که هیچ یک در مقام نفی رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بعضی از شؤون ایشان نیستند، البته شاید بتوان با نگاهی دقیق و توجه به حیثیت های دیگر، دسته یا دسته های دیگری به چهار دسته مذکور اضافه کرد، ولی تفاوتی در نتیجه حاصل نمی شود.

حال با توجه به این دو نکته، تقسیم بندی مطرح شده در مورد افعال نبی اکرم صلی الله علیه و آله، در این قسمت ارائه می شود.

بیان انواع افعال نبی اکرم صلی الله علیه و آله

با توجه به این که نبی اکرم صلی الله علیه و آله بشری مثل سایر انسان ها بودند و ایضا دارای مقام نبوت نیز بودند، افعال مبارک ایشان را به چند دسته تقسیم کرده اند:

الف) افعال طبیعی: افعال طبیعی یا جبلی یعنی افعالی که از طبیعت و خلقت بشری معصوم نشأت گرفته باشد و بین او و دیگر هم نوعانش مشترک باشد؛ (مردانی، ۱۳۹۶، ص ۷) مثل خوردن، آشامیدن، خوابیدن، بیدار شدن، ایستادن و نشستن. (نراقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۶) بسیاری از فقها عدم اختلاف در مسئله مباح بودن این دسته از افعال نبی اکرم صلی الله علیه و آله هم نسبت به خود ایشان و هم نسبت به سایر امت را ادعا کرده اند، لذا این دسته از افعال ایشان نمی تواند مفید اثبات حکمی برای امت باشد و حجت نیست.^۱

اما در مقام نقد نظر عدم حجیت افعال دسته اول باید گفت: با توجه به این که در شرع اسلام

۱. تعداد زیادی از علما مثل: نراقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۶؛ قزوینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۵، ص ۴۳۵؛ حلی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲،

ص ۵؛ شهید ثانی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۶؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۹۰.



هر عملی حکمی دارد، همان طور که مقتضای شمول اسلام نسبت به همه شؤون مختلف انسان چنین است، بین افعالی که ناشی از طبیعت بشری انسان است با غیر آن تفاوتی وجود ندارد. علاوه بر این، آنچه که اختلافی در مباح بودنش نیست اصل این افعال است، ولی این افعال طبیعی را می توان به کیفیت های مختلف انجام داد؛ (حکیم، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۶۵) برای مثال خوردن را در نظر بگیرید، هر چند حکم اولیه خوردن، مباح است، اما همین عمل را می توان به کیفیت های مختلفی انجام داد؛ مثلاً غذا خوردن در حال تکیه داده یا غیر آن، با دست راست یا دست چپ، در حال سکون یا راه رفتن، همراه با دیگران یا به تنهایی و.... و بر همین اساس احکام این چنینی را می توان در کلام فقهاء نیز دید: کراهت تناول غذا در حال تکیه دادن، (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲۴، ص ۲۴۹) کراهت قرار دادن دست بر روی زمین هنگام غذا خوردن، (همان، ص ۲۵۳) استحباب بیرون آوردن کفش هنگام غذا خوردن، (همان) استحباب غذا خوردن شبیه بندگان و نشسته بر روی زمین، (همان، ص ۲۵۴) کراهت خوردن و آشامیدن با دست چپ بدون عذر. (همان، ص ۲۵۸)

از طرف دیگر چون ما عصمت نبی اکرم ﷺ را پذیرفتیم، پس تمام افعال اختیاری حتی افعال جبلی ایشان موافق با احکام شرعی است، لذا این دسته از افعال ایشان نیز برای ما حجت هستند. (حکیم، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۶۵)

هرآنچه که در مورد این دسته از افعال نبی اکرم ﷺ بیان شد در مورد سایر معصومین علیهم السلام نیز مطرح است.

ب) افعال دنیوی: آن دسته از افعالی که نبی اکرم ﷺ براساس تجربه در امور دنیوی به دست آورده و انجام داده اند؛ مثل تجارت، زراعت و تدابیر جنگی حاصل از تجربه شخصی ایشان است و ناشی از بعد رسالت ایشان نبوده است لذا حجت نیستند.

در همین زمینه عده ای از علمای اهل تسنن روایات متعددی را نیز مورد استناد قرار می دهند که مهمترین آنها روایت تأثیر نخل است که در کتب متعددی از اهل تسنن از جمله صحیح مسلم نقل شده است.

حاصل مطلب این است که رسول خدا ﷺ در بیرون مدینه بر گروهی از مردم عبور کردند که بر بالای درختان بودند، حضرت فرمود: اینها چه می کنند، گفتند: عمل تلقیح درختان خرما را



انجام می دهند. حضرت فرمود: فکر نمی کنم به این کارها نیازی باشد. آنها به خاطر فرموده نبی اکرم ﷺ از این کار دست کشیدند. در نتیجه، خرماها خراب شد و محصول خوبی نداد. مطلب را به پیامبر عرض کردند، رسول خدا فرمود: اگر واقعاً نفعی دارد این کار را انجام دهند، من گمانی کردم، مرا به گمان مؤاخذه نکنید، ولی وقتی از خدا برای شما چیزی گفتم به آن اخذ کنید من بر خدا دروغ نمی بندم. (ربانی، بی تا، ص ۱۷۵)

اما در مقام نقد نظر عدم حجیت افعال دنیوی نبی اکرم ﷺ دو مطلب، یکی در مورد روایت مذکور و دیگری در مورد استدلالی که شد ارائه می شود.

در مورد روایت باید گفت: این روایت صریحاً با عصمت نبی اکرم ﷺ از خطا و اشتباه منافات دارد و از آنجایی که در این مقاله عصمت نبی اکرم ﷺ از معصیت و خطا و سهو پیش فرض گرفته شده است، این روایت نمی تواند مقبول واقع شود. البته اشکالات دیگری نیز به این روایات وارد است که همان منافات با عصمت از خطا برای کنار گذاشتن آن کفایت می کند و در این سخن به بررسی سایر اشکالات این روایت نیازی نیست.

اما در مورد استدلالی که بر عدم حجیت افعال دنیوی نبی اکرم ﷺ شده است باید گفت: از طرفی مقتضای عصمت ایشان از خطا و سهو این است که در این افعال نیز اشتباه نمی فرمایند، از سوی دیگر ایشان حتی در هنگام انجام این افعال نیز رسول هستند و آیاتی که بر بعد بشری ایشان تاکید می فرمایند، دلالتی بر نفی رسالت ایشان در بعضی از زمان ها یا حالات ندارند؛ چنانچه توضیح این مسئله به طور مفصل گذشت. لذا نبی اکرم ﷺ در حال انجام این افعال نیز معصوم و رسول بودند، لذا این افعال ایشان نیز حجت است.

هر آنچه را که در مورد این دسته از افعال نبی اکرم ﷺ بیان شد در مورد سایر معصومین ﷺ نیز مطرح است.

ج) افعال رسالی: آن دسته از افعال نبی اکرم ﷺ که ایشان به عنوان رسول آنها را انجام داده اند حجت اند و می توان براساس آنها احکام شرعی استنباط نمود.

در این نظر اختلافی بین هیچ یک از مذاهب اسلامی وجود ندارد که این مطلب را می توان در

تعریفی که برای سنت ارائه داده اند مشاهده نمود. (شاهرودی، ۱۳۸۲، ق، ج ۴، ص ۵۳۵)



۴-۲. دلیل قول دوم

از جمله ادله‌ای که برای حجیت همه افعال نبی اکرم ﷺ بیان می‌شود «آیه تأسی» می‌باشد. خدای متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱ (احزاب، ۲۱)

در مورد این آیه دو نکته مورد توجه است؛

اولا اینکه آیه اطلاق دارد. در آیه شریفه قیدی وجود ندارد که نبی اکرم ﷺ در چه زمینه‌ای اسوه هستند و چون مقدمات حکمت نیز وجود دارد، لذا آیه اطلاق دارد؛ یعنی شامل همه احوال و شؤون پیامبر اکرم ﷺ می‌شود. این اطلاق علاوه بر مقدمات حکمت قرینه درونی دیگری نیز دارد؛ این قرینه حرف «فی» می‌باشد؛ به این شرح که آیه نفرموده است: «لکم لرسول الله اسوة»، بلکه فرمود: ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ﴾. «فی رَسُولِ اللَّهِ» علاوه بر اینکه دارای تاکید است، مفید شمولیتی نیز هست که همه احوال و افعال نبی اکرم ﷺ را در بر می‌گیرد.

علاوه بر اینها، قرائن لثیه و غیر لثیه نیز بر اطلاق وجود دارد؛ این قرائن عبارتند از: ادله دیگری مانند آیه ۴ سوره نجم ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^۲، عصمت نبی اکرم ﷺ و احادیثی که براساس آنها قطع داریم که ایشان در هیچ حالی از ذکر خدای متعال غافل نبوده‌اند.^۳

اضافه بر تمام این قرائن، تاکیداتی که در آیه وجود دارد این اطلاق را تقویت می‌کند؛ چرا که تاکید بر اسوه بودن بدون تقييد کلامی و مقامی، با اسوه بودن در یک یا چند بعد خاص سازگار نیست؛

شرح این مطلب از این قرار است که در این آیه شریفه سه قرینه قطعی (لام و قد در لقد، کان) و هفت قرینه غیر قطعی (جمله خبریه، لام در لکم بنا بر بعضی احتمالات، فی رسول الله، حسنة بنا بر بعضی احتمالات و...) بر تاکید دلالت دارند. (آیه الله اعرافی، ۱۴۰۱) اگر گفته شود شخصی اسوه

۱. قطعا در گفتار و رفتار رسول خدا اقتدای نیکویی برای شماست. اقتدا به رسول خدا از عهده همه مدعیان ایمان برنمی‌آید، بلکه آن کسی پیرو اوست که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند. (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۴۲۰)

۲. او به رای خویش چیزی به نام قرآن برای شما نمی‌خواند. (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۵۲۶)

۳. مثل احادیث ابواب الذکر کتاب وسائل الشیعه و سایر کتب حدیثی مخصوصا مثل حدیث دوم باب پنجم ابواب الذکر در کتاب وسائل الشیعه. (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ص ۱۵۴)

است و این اسوه بودن هیچ قید کلامی و مقامی نداشته باشد، سپس به شیوه‌های مختلف بر این اسوه بودن و به صورت متعدد تاکید شود، اگر منظور فقط در یک زمینه خاص باشد این تاکید از نظر عرف ناپسند می‌شود. (این مطلب را ضمن مثالی توضیح می‌دهیم: مثلاً اگر به افرادی از دوستان خود بگوییم «فلانی برای هر کدام از شما که بخواهد به کمال برسد الگوست، حقیقتاً یک الگوی بسیار خوب است» آنگاه دو روز بعد از ما بپرسند «آیا منظور شما در همه زمینه‌ها بود؟» و ما جواب دهیم: «خیر تنها زمینه ورزش کردن را قصد کرده بودم!» این شیوه بیان اصلاً از نظر عرف با قصد متکلم سازگار نیست.) این اطلاق همه احوال و افعال نبی اکرم ﷺ را شامل می‌شود.

دوم اینکه، این جمله جمله‌ای خبری اما در مقام انشاء است. حتی اگر کسی بگوید در مقام انشاء نیست، باز هم به دلالت التزامی بر یک انشاء نیز دلالت دارد؛ (آیه الله اعرافی، ۱۴۰۱) توضیح اینکه مثلاً وقتی می‌گوییم: «رسول خدا ﷺ برای شما الگوست» یعنی «ایشان را الگو قرار بده» (همان طور که وقتی به شخصی می‌گوییم: «وقتی به خانه رسیدی در را باز می‌کنی» یعنی «در را باز کن»). یا اینکه معنای جمله مانند ظاهر آن، خبری است. ولی همین خبر بر اینکه باید ایشان را الگو قرار بدهیم دلالت التزامی دارد. (مانند اینکه معلم به دانش آموزان کلاس بگوید «الگوی شما زید است» و انشاء کردنی را نیز قصد نکرده باشد، این خود به نحو التزامی بر این دلالت دارد که باید زید را الگوی خود قرار بدهند، لذا اگر دانش آموزی عملی انجام دهد که خلاف اعمال زید باشد و معلم آن دانش آموز را توبیخ کند و بگوید: «مگر نگفتم مثل زید عمل کن و او را الگو قرار بده!»، عقل این توبیخ را قبیح نمی‌داند و عرف نیز آن را ناپسند نمی‌داند.) چون دلیل این ادعا واضح است نیاز به توضیح بیشتری ندارد و به همین مقدار توضیح اکتفا می‌کنیم.

جمع‌بندی دو نکته مذکور این است که انشائی که آیه بر آن دلالت دارد اگر به نحو وجوبی باشد، با توجه به اطلاقی که ذکر شد تاسی به تمام افعال نبی اکرم ﷺ را واجب می‌خواند. اما اگر به نحو ندبی باشد و یا حتی بگوییم صرفاً دلالت بر جواز تأسی به نبی اکرم ﷺ دارد، باید گفت چون در بحث حجیت، جواز دلیل و حجت بودن، مفید و جوب اخذ به آن حجت است (وگرنه عقل عقاب را قبیح نمی‌داند)، حتی اگر فقط دلالت بر جواز نیز داشته باشد با توجه به اطلاق موجود در آیه که شامل تمام افعال نبی اکرم ﷺ می‌شود، حجیت تمام افعال ایشان را اثبات می‌کند.



نتیجه این که می توان گفت این آیه شریفه بر حجیت تمام افعال نبی اکرم ﷺ دلالت دارد. و از آنجا که امامان شیعه جانشینان واقعی و به حق پیامبر عظیم الشان اسلام هستند و همه وظایف و مسئولیت های پیامبر اکرم ﷺ به غیر از مقام نزول و دریافت و ابلاغ وحی را به نوعی دیگر بر عهده دارند، (شهید مطهری، ۱۳۸۴، ج ۴، صص ۷۲۱ - ۷۱۳)، لذا هرچه در مورد نبی اکرم ﷺ گفته شد، در مورد ائمه علیهم السلام نیز صادق است.

۵. نتیجه

در تحقیق حاضر روشن شد افعال نبی اکرم ﷺ به سه نوع تقسیم می شود: افعال طبیعی، دنیوی و رسالی. حجیت قسم اول و دوم از این افعال اختلافی است ولی در حجیت قسم سوم، هیچ اختلافی وجود ندارد. بررسی های صورت گرفته نشان داد، چنانچه قسم سوم از افعال حجت می باشد، قسم اول و دوم نیز حجت است و وجهی برای تفصیل وجود ندارد. همچنین روشن شد همه افعال سایر معصومین علیهم السلام به جز افعالی که با دلیل قطعی اختصاص آنها را به ایشان دانسته ایم، نسبت به امت حجت هستند و می توانند منبعی برای صدور حکم شرعی قرار بگیرند.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اعرافی، علیرضا (۱۴۰۱). درس خارج اصول، سیره معصوم علیه السلام. بر خط
<https://sath3.eshia.ir/feqh/archive/text/arafi/osool/1401/14011123/>
۲. البحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۴۰۶ ق.). قواعد المرام فی علم الکلام (چاپ دوم). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳. صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸). القرآن الکریم (ترجمه صفوی) (بی جا). قم: دفتر نشر معارف.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق.). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة (چاپ سوم). قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۵. حکیم، محمد تقی (۱۴۳۱ ق.). الاصول العامة للفقهاء المقارن (چاپ اول). تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۹۸۲ م.). نهج الحق وکشف الصدق (چاپ اول). بیروت: دار الکتاب اللبنانی.
۷. _____ (۱۳۶۳). انوار الملکوت فی شرح الیاقوت (چاپ دوم). قم: الشریف الرضی.
۸. _____ (۱۹۸۸ م.). کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد (چاپ اول). بیروت: موسسه الأعلى للمطبوعات.
۹. _____ (۱۴۲۵ ق.). نهاية الوصول الی علم الاصول (چاپ اول). قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۰. ربانی بیرجندی، محمد حسن (بی تا). اصول فقه مقارن (چاپ اول). بی جا: بی نا.
۱۱. الشریف المرتضی، علی بن الحسین الموسوی العلوی (بی تا). تنزیه الانبیاء (بی جا). بی جا: بی نا.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۴). تمهید القواعد (چاپ اول). قم: مرکز النشر.
۱۳. طباطبایی، سید ابوالفضل (۱۴۰۰). درس خارج فقه، فقه المسجد. بر خط
https://eshia.ir/feqh/archive/text/tabatabaei_abolfazl/feqh2/1400/14001028
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن (بی جا). منشورات اسماعیلیان.



۱۵. قزوینی، علی بن اسماعیل (۱۴۲۲ ق). *تعليقة على معالم الاصول* (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. کراجکی، محمد بن علی الکراجکی (۱۴۰۵ ق). *کنز الفوائد* (چاپ اول). بیروت: دار الاضواء.
۱۷. مردانی، مهدی (۱۳۹۶). توسعه قلمرو کارآمدی فعل معصوم در استنباط: مبنا و پی آمد، دو فصلنامه علمی پژوهشی *مطالعات قرآن و حدیث*، ش ۲۱، صص ۱۳۳ - ۱۱۱
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار* (چاپ هفتم). تهران: صدرا.
۱۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق). *تصحیح اعتقادات الامامیه* (چاپ دوم). قم: کنگره شیخ مفید.
۲۰. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). *قوانین الاصول* (چاپ دوم). تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۱. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۸). *انیس المجتهدین* (چاپ اول). قم: بوستان کتاب قم.
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲ ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)* (چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).